

نظری به هنر ایران

شرحی در ادوار مختلف هنر ایران از روزگار هخامنشیان تا دوران صفویه دوباره معماری و حجاری و پارچه بافی، آثار فلزی، خطاطی، کتاب نویسی، مینیاتور و تذهیب، جلدسازی، نساجی، کاشی کاری، گچ کاری، قالی بافی و گلیم بافی.

تاریخ ایران مشحون از فتوحات درخشان شاهانه و مصائب دشوار است. به نظر می رسد که تمدن ایرانی در هر دو موقعیت روز بروز در شکفتگی و نمو بوده است. ایستادگی در برابر مصائب و از نو ساختن استقلال و حیات ملی با مصالحی تازه، در عین آنکه شکست هر امیدی را در دل ها شکسته، به عقیده بعضی از مورخان جدید از عظیمترین خصائص یک ملت است.

در تاریخ جهان مثال دیگری نظیر این خصیصه ی ایرانیان که بعد از هر مصیبت ویران کننده ای از نو قد برافراشته اند وجود ندارد. دلائل این مشخصه روشن نیست. شاید تا حدی اوضاع جغرافیایی و یا آب و هوای مساعد انگیزه ی رستخیزهای این ملت بوده است. اما تنها دلایل مادی کافی نیست. تنها آنگاه که علل مادی با اختصاصات روحی توأم می شوند نیروی خلاق ملتی مانند ایرانیان این چنین می شکفتد. و خصایص روحی و معنوی است که عظمت ایران را تضمین کرده است. مذهب و ادبیات و فعالیت های هنری ایرانی است که عظمت اصیل این کشور را بما نموده است. نیروی اخلاقی شگرف این ملت بود که تربیت کرد، تسلا داد، الهام بخشید قرون متمدنی تمدن عظیم بشری را رهبری کرد.

ملت ایران، این شاعرانه ترین ملت ها، با جهان بینی فلسفی و هنریش حقایق فوق حس و واقعیت را مو شکافت و از این مو شکافی نیرو و امید و مقصد عالی یافت. فردوسی «قلعه و پناه روح ایرانی» را در گرما گرم وحشت و ویرانی مغول پناه داد. اما فردوسی تنها یک مظهر روح ایرانیت بود، روحی که در اعصار و قرون ارضاء خود را از بسی هنرها یافته است.

عظمت و شکوه پرسپلیس که جوابگوی سیاست و مذهب زمان بود، آن را قبله گاه خاور باستانی ساخته بود. حجاری های غنی این کاخ، تصاویر بازگو کننده جشن نوروزی و یا تصاویری که ستایش خالص نیروی یزدانی را می رسانند و چشم امید به سوی مبدأ دارند که زمین آنها را از سرشاری و فراوانی سیراب سازد، همه ی این تصاویر با آرامشی اطمینان بخش بر پا ایستاده اند و شاهد صادق اعتقاد ملتی بیزدانی قادر و رئوف هستند. سادگی آرام و معقول این تصاویر بی صدا با حجاری های خشن و بدوی و آراسته به جزییات پر هیاهوی آشوری تفاوتی عظیم دارد

در عهد ساسانی هنرهای دیگر نیز غنی بودند. چند نمونه پارچه ای که از این زمان مانده است گرانبهاترین پارچه های بافته شده ی جهانند. نقش این پارچه ها اصیل و قوی است و در عین حال ظرافت دارد. رنگهای آنها در عین آرامش نسبی، خوب

انتخاب شده است . تکنیک این پارچه ها ساده اما کاملاً مناسب و بجاست و روی هم رفته معنای رمزی نقشها گویا و بیان کننده است .

صنعتگران این زمان مهارت غیر معمولی و احساس زیبایی و نبوغ خود را در بسیاری از هنرها خاصه ظروف فلزی و گلی نشان دادند. ظروف گلی آنها با نقش و نگارهای تزئینی حیرت آوری ساخته شده است. تسلط هنرمند در ساختن و پرداختن این ظروف و در آوردن آنها بصورتی که هدف ساختمانشان را بشاید، شگفت آور است. هنرهای ساسانی با اشکال تازه ای ، عظمت، قدرت و وفور آثار هخامنشیان را ادامه داد. معماری ساسانی هر چند فاقد استعمال سنگ و ساختمان بناهای سنگی گران قیمت مانند معماری هخامنشیان بود، اما در بکار بردن مصالح دیگر و بدعت در ساختن طاق های هلالی و گنبدها گامی فراتر نهاده بود . و این گام مقدمه ای بود برای حل مسئله ی انعکاس صوت که حتی از نظر تزیین معماران رومی مخفی مانده بود. معماران ساسانی به پوشش فواصل وسیع با مواد سخت توفیق آموخته بودند و این امر یکی از مشکل ترین و اساسی ترین اختراعات معماری بود و همین مقدمات بعدها در کلیه ی آثار معماری ایرانی طی قرون بعدی تکمیل گردید . بعضی از اصول معماری ساسانی بود که راه را برای ترقی معماری گوتیک یعنی عامل عظمت اروپای قرون وسطی هموار ساخت

حجاری های عظیم در سینه ی کوهها که یا نشان دهنده ی واگذاری سلطنت و یا نمودار پیروزی شاهان ساسانی بر امپراطوران رومی است ، آن چنان نماینده ی یادگاری ها و یادبودها هستند که کمتر نظیر آنها را می توان یافت . در حالیکه بشقابهای طلا یا نقره ی ساسانی معجزات فن اند . ظروف برنزی به اندازه های سترگ و ترکیب های خاصشان مناسب سفره ی تزیین شاهان بزرگ و درباریان آنها می باشد . از آن همه بشقاب ها و صراحی ها و جامه که برای نجبا در عهد ساسانی ساخته شده است یکی از هزار بیشتر باقی نمانده است و آنچه تاکنون کشف گردیده است در موزه های معروف در عداد گنجینه های گرانبها قرار دارد .

ظهور اسلام ایمانی جدید و ارزشهایی تازه و حدودی نو به وجود آورد . قصور و معابد عظیم ساسانی کم کم جای خود را به مسجد داد . مسجد که مرکز اجتماع سیاسی و مذهبی مردم بود ، ابتدا یعنی در قرن هفتم میلادی ساختمان مساجد بسیار ساده بود . در این قرن مسجد بنایی بود که در آن نماز جماعت برگزار می شد و یا وقایع و اخبار اعلام می گردید . اما به زودی بیان «احساس» و «عبادت» در نقشه و ساختمان مساجد رعایت شد . در قرن هشتم میلادی مساجد دارای عظمت مؤثر و زیبایی خاص گردیدند در عین حالیکه ساختمان آنها تا حدی ادامه ی سبک معماری ساسانی با تزیینات ساده و با شکوه بود .

به زودی نبوغ تزیینی ایرانی راه تازه ای برای ابزار یافت . گچبریها و تذهیب های رنگارنگ به وجود آمد . سطوح مزین به طرحهای تجرید یافته و یا طرحهای مجرد نباتات و گلها با زیبایی هر چه تمامتر مساجد را زینت داد . این تزیینات تا قرن

چهارده روز به روز در تکامل و بدعت بود. مقابر شاهانه با برجهای یادبودشان در غالب نقاط ایران نظر اندازه‌های شاعرانه به وجود آورده اند. از همه این بناها زیباتر بنای یادگار گنبد قابوس در گرگان است، که در سال ۱۰۰۷ م ساخته شده است. بنایی است اسرار آمیز، نیرومند و غم انگیز. شاید عالیت‌ترین مزارهای موجود باشد. ساختمان گنبد در عهد سلجوقی به نهایت کمال رسید و نشان این کمال خاصه در دو گنبد مسجد جامع اصفهان مشاهده می شود. گنبد کوچکتر این مسجد کاملترین گنبدی است که تا به امروز باقیمانده است. هلال طاق آن ظریف‌ترین طاقهای هلالی است. تزئین هماهنگ داخلی آن از قوسها و هلالهایی است که در هم آمیخته اند و با نظمی منطقی ادامه یافته اند. این تم ها و ادامه و تکمیل آنها همواره مورد توجه معماران هر مکتبی قرار گرفته است. این بنا با عظمت خاموش و جدی و اسرارآمیزش یکی از بزرگترین آثار معماری جهان است.

اعتقاد به اسلام که میان غالب ایرانیان بنا به رغبت شخصی بود هنر نوی را که در نظر شرقیان هنری بس مهم بود به وجود آورد و تقدیر آن بود که این هنر در ایران به اوج خود برسد. و آن هنر خطاطی بود. احترام به کلام مقدس خداوند که چاوش سعادت و زندگی جاوید بود باعث به وجود آمدن احترام‌آمیزترین کتاب‌ها شد. خط بدوی عرب به ظرافت گرایید و توسعه یافت و اولین پیشرفتهای هنر خط در شهر کوفه انجام گرفت و خط کوفی منسوب به این شهر به واسطه ی ظرافتش شهرت زیاد یافت. الفبای قوی و اصیل مدون شد که عظمت کلام الهی را شایسته باشد. نبوغ ایرانی این الفبا را معقول و متناسب ساخت تا به جایی که خط کوفی تزئینی‌ترین و گویاترین خطوط گردید. ذوق به خط خوش که این چنین انگیخته شده بود به اشتیاقی منجر شد که حتی به وسواس کشید. آتش این اشتیاق مدت هزار سال در دل مسلمین افروخته بود.

ضمناً هنر دیگری که باز در آن ایرانیان به نهایت مهارت رسیدند بوجود آمد و آن صنعت ظروف سفالی بود. شاید پیشرفت ظروف سفالی لعابدار تا حدی بواسطه ی منع مذهبی ظروف فلزی گرانها (طلا و نقره) تسریع گردید. در پایان قرن هشتم م. در مشرق ایران ظروف سفالی ممتاز با نقشهای جالب و رنگهای بدیع بوجود آمد و در قرون نهم و دهم میلادی در غالب نقاط ایران ظروف عالی ساخته گردید. اما در هنگام تأثیر هنر چینی بر این ظروف کاشی آشکار بود و این نفوذ مخصوصاً در بکار بردن لعابهای طلایی و قهوه‌ای و سبز آشکارا احساس می شود. در واقع بسیاری از نمونه‌های صنعتی این عهد چنان شباهتی به مدل‌های چینی دارد که تشخیص ظروف ایرانی از چینی جز با آزمایش فنی امکان ناپذیر است.

ایرانیان به کمک نبوغ خود و تجاری که از آزمودن سبکهای دیگران کسب کردند عالیت‌ترین انواع ظروف سفالی لعابدار را بوجود آوردند که تنها چینی‌ها و یونانیها تاب رقابت با آنها را داشتند و تازه از بعضی جهات صنعت سفال ایرانی عالیت‌تر بود.

سفال ساز ایرانی به موادی که در صنعت خود بکار می برد وفادار بود . جنس گلی را که بکار می رود پنهان نمی داشت بلکه آن را فریباتر و رنگین تر عرضه می داشت . ظروف سفالی ایرانی سبک وزن و ظریف است . تزیینات با جنس ماده‌ی اصلی متناسب است . اشکال و رنگها با مجموعه می خواند . نقشهای غنی حیوان و گل و اشکال هندسی در نقاط مختلف ایران با سبک و رنگ محلی تکمیل گردیده است . فن کتاب نویسی در ایران با استنساخ نسخه‌ی اصلی اندرزنامه‌ی کیکاوس بن و شمگیر (قابوس نامه) که در ۱۰۹۰ م. خاتمه یافت آغاز گردید . این کتاب اولین کتاب مصور فارسی است و بعدها این فن ادامه یافت . قسمتی از تصاویر شاعرانه و زیبای این نسخه اینک در موزه ی «سین سیناتی » و بقیه‌ی آن در اختیار مؤسسه‌ی گورگیان است. ایرانیان در هنر تصویر کتب خطی زور بروز ماهرتر شدند . نشان این مهارت را در تصاویر حیوانات کتاب منافع الحیوان که در کتابخانه‌ی مورگان نگهداری می شود و همچنین در تصاویر حزن انگیز و قوی شاهنامه معروف «دموت» می توان ملاحظه کرد . سیر تکاملی نقاشی ایران بهنگام سلطنت تیموریان در اواخر قرن پانزده میلادی به اوج خود رسید. هنر مینیاتور و تذهیب و جلد سازی در این زمان بود که بحد اعتلا رسید. طرح‌ها و نقاشیهای این زمان به جلال و تازگی رؤیا ماندند. رؤیای جهان کاملی که در آن ابهام سایه‌ها وجود ندارد .

صنعت نساجی نیز به تکاملی نظیر کمال نقاشی ایران رسیده است . این صنعت در زمان آل بویه و سلاجقه به نهایت قدرت خود رسیده است. چنانکه مثل دسته ای از هنر های ایرانی دیگر بوجود آوردن نظایر آنها امکان نیافته است . هفتاد نقش موجود که از آن زمان‌ها مانده است تنها نشان ممارست فنی نیست . این نقش‌ها از نظر مقیاس بحد متوسط تعدیل یافته اند و بعلاوه طوری تعبیه گردیده اند که زیبایی جامه‌ها را عمیق تر جلوه بدهند. ذوق هنری و وسواس آزمودن نقش های یورش مغول با خشونت بی سابقه ای بناهای آباد و بیشمار پیشینیان را ویران ساخت، اما سلاطین اخیر مغول مانند غازان خان و الجوایتون که تربیت یافته تمدن ایرانی بوده با توجه به سنت ایرانیان بناهای با عظمت ساختند که از نظر شکل و مقیاس ساختمان و شکوه تزیینات در عداد شاهکارهای معماری جهان قرار گرفت . مزار غازان خان (که اینک ویران گشته) مسجد علی‌شاه (ارک تبریز) با طاقی که چهار صد پا پهنا داشت، یعنی ۳۴ پا از وسیعترین طاقهای اروپایی وسیعتر بود و مقبره‌ی الجایتو در سلطانیه با گنبد عالیش که با بناهای با عظمت پرسپلیس و طاق کسری در تیسفون و معابد و حمامهای رومی و کاتدرالهای عظیم اروپایی کوس برابری میزند، از آثار این سلاطین است.

یورش تیمور لنگ در آخر قرن چهارده میلادی از نو این مملکت رنجیده را از پا در آورد. چهل سال سلطنت اجامر و جنگهای داخلی روحیه این ملت نجیب را ضعیف ساخته بود اما بار دیگر فاتحان مغلوب ورام ذوق سلیم و شاعرانه و لطافت اجتماعی

تمدن ایرانی گردیدند. و سلاطین تیموری به پیروی خود تیمور بساختن مساجد و مقابر با عظمت پرداختند. عالیترین نمونه‌های این آثار مسجد گوهرشاد در مشهد (۱۴۱۸ م.) و مسجد کبود تبریز است. زینت این بناهای عالی کاشی کاریهایی است که اینک به کمال رسیده بود. رنگ آمیزی این کاشی‌ها در نهایت هم آهنگی. آبی لاجوردی و آبی فیروزه ای که در کنار سفید عاجی و زرد کمرنگ جلوه می کنند و در کنار سبز زمردین و سیاه صیقلی پررنگ بنظر می آیند، قطعات کاشی این آثار را بصورت تابلوهای نقاشی هم آهنگی در آورده اند. بناهایی با چنین رنگهای مطبوع: رنگهائی که فقط قطعات کوچکی را رنگین ساخته اند تا در کنار قطعات کوچک دیگر طرحهای ظریف گلها و بته های و اسلیمی‌ها را تکمیل کنند، جلالی آسمانی دارند. چنین جمالی بچشم ایرانیان آشنا و عادی است اما دیده ی دیدار کنندگان دیگر دیارها را از حیرت خیره میسازد.

تزئینات درون این بناها هم آهنگ با زیبایی برون است. گچبریهای رنگارنگ نقش اساسی تزئینی را بر عهده دارند، بدنه ستونها و محراب مقدس با کاشیهای شفاف و منقش که اختراع خاص ایرانی‌هاست پوشیده شده است. صیقل درخشان این سطوح در نور چراغها با شعله های طلایی و اسرار آمیز متأللی می گردد.

بعد از این همه ابداع و ابتکار بی نظیر - آدمی منتظر است که مهارت معماران ایرانی به فرسودگی گرائید باشد.

اما باز در زمان شاه عباس اول (۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م.) ناگهان بناهای با عظمتی بر پا می گردد که اصفهان پایتخت صفویه را زیباترین شهرهای جهان می سازد. این ساختمانهای عظیم طبق سنت قدیم ایران از خاک، این ماده ی ناچیز و خاضع و خاموش، برپا گشته است. مانند مسجد شاه (۱۶۱۱ م.) و مسجد شیخ لطف الله (۱۶۲۳ م.) اما همین مواد بیجان در دست معمار ایرانی چنان جانی گرفته است که کاملتری بناهای جهان در برابر آنها فسرده و بیرون مینماید.

از قالی و گلیم معروفترین صادرات ایرانی چه بگوییم؟ قالی ایرانی نشانه تجمل شاعرانه در سر تا سر جهان است. شاهکارهای قالی ایران از عهد ساسانی شروع می شود. فرش بهارستان و هم چنین زمستان خسرو، فرشی ابریشمین با تارها و پودهای زرین و سیمین بود و با جواهرات زینت یافته بود. اندازه ی آن به بزرگی ۱۲۱×۷۶ پا بود و چنانکه از فروش قطعات آن بوسیله فاتحان عرب بر می آید، قیمت آن می بایستی بالغ بر صد میلیون دلار بوده باشد.

از قالیهای ایرانی که ارزش هنری داشته باشد قبل از اوایل قرن شانزدهم میلادی چیزی باقی نمانده است. در این زمان در عهد سلطنت شاه اسمعیل و شاه طهماسب (۱۵۲۴-۱۵۷۶ م.) نقشه ظریفترین قالیهای که جهان به خود دیده است کشیده شد و بافت این قالیها در همین زمان انجام گرفت. شاه طهماسب نه تنها خبره و قالی شناس بود بلکه خود از نقشه کشی و طرح قالی اطلاع داشت. طراحان و بافندگان هیچ کشوری در طرح روشن و دقیق و در تخیلات شاعرانه و در بافت ظریف به پای قالیباغان و

طراحان عهد صفویه نمی رسند. اگر بعضی از قالیهای آسیای صغیر و هندوستان از جهت رنگ عمیق تر و رنگین تر از قالیهای صفویه بوده است اما هیچ فرش از نظر تنوع و کمپوزیسیون و رنگ آمیزی به پای قالیهای مساجد و قصور شاهان ایرانی نمی رسد. تمام این قالیها اینک در موزه‌ها نگهداری می شوند. ارزش این قالیها همانند بهای کاخهاست. این قالیها محصول رنج دسته جمعی مذهبان و رنگرزان و بافندگان و طراحان هستند. مانند یک قطعه موسیقی سمفونی هم آهنگ و از اجزاء متنوع فراهم آمده اند. طرحهای درونی و درجه دوم با رنگهای حیرت آور با نقشه‌ها و طرحهای اصلی در هم آمیخته اند. هر چند محصول قالیهای هنری و عالی تقریباً در اوایل قرن هفده پایان یافته بود اما این صنعت بدیع در ایران از نوع احیا شده است و در شهرهای کرمان و بیرجند و مشهد در حال حاضر قالیهایی بافته می شود که از نظر رنگ و نقش این قالیها با اصالت و اغنای مدلهای اولیه نباشد اما باز می توان آنها را وارث صنعت باستانی ایرانی دانست. ایران به کمک هنر خود عقل و دل مردم متمدن جهان را مسخر کرده است. فتحی که بذال و کریم است دائماً در تزايد است و جاودانی است